

ایران ورزش

گفت‌وگوی اختصاصی

پریسا غفاری: فاتحه زمانی

روزنامه‌نگار

در روزگاری که حتی نام فوتبال برای زنان ممنوعه بود، او با چکمه‌های آهنین بر چمن رویاهایش قدم گذاشت. مریم ایراندوست دختر پندرانزلی بی شک یکی از زنان الهام‌بخش این سرزمین است که نقش زیادی در تبدیل شدن رویاهای فوتبال بانوان به واقعیت ایفا کرد. او از دل همین حسرت‌ها تیم بانوان ملوان را تشکیل داد، برای ورود بانوان به استادیوم‌ها جنگید و از کوچه‌های خاکی پندرانزلی و توپ‌های دست‌دوز به جام ملت‌های آسیا رسید. او سال‌ها در دروازه‌های بسته محدودیت را کشود تا نسل نازای از دختران ایرانی باور کنند هیچ رویایی دست‌نیافتنی نیست. سرمربی سابق تیم ملی حالا در گفت‌وگویی مفصل با ایران ورزشی از اشک‌ها لبخند‌هایش تا ماجرای کنار گذاشته شدن از تیم ملی و آینده فوتبال بانوان می‌گوید.

این همه عشق شما به فوتبال از کجا می‌آید؟

من از زمانی که در شکم مادرم بودم عاشق فوتبال شدم، دقیقاً زمانی که پدرم به مرحوم ناصرخان حجازی در استادیوم انزلی و جام تخت جمشید گل زد.

فوتبال در انزلی محبوبیتی زیادی دارد و شما هم ۱۳ سال در تیم ملوان فعالیت داشتید. شاید همین موضوع باعث شده که شما را با این تیم بشناسند.

یکی از شانس‌های من این است که در انزلی متولد شدم، به خاطر فرهنگ غنی این شهر ملوان برای ما مثل همان نفس کشیدن بوده و بخشی از زندگی ماست. هر جای دنیا که باشم با فکر کردن به این تیم آرامش پیدا می‌کنم.

۲۵ سالگی وارد فوتبال شدید. چرا اینقدر دیر؟ برای اینکه بخواهم به این سؤال پاسخ بدهم باید به قبل برگردم. به خاطر ممنوع بودن فوتبال برای دختران، در نوجوانی و جوانی با پسرها در کوچه بازی می‌کردم. ضمن اینکه همیشه چه زمانی که پدرم بازی می‌کرد و چه مقطع مربیگری، کنارش بودم. تا اینکه در ۱۰ سالگی دیگر اجازه ورود به استادیوم را به من ندادند. در ۱۶ سالگی آقای هاشمی رفسنجانی به انزلی آمدند و استادیوم برای ورود مرد و زن آزاد شد. تمام بچه‌های مدرسه را برای استقبال به استادیوم بردند. آن شب تا صبح خوابم نبرد از اینکه فردا صبح قرار است به استادیوم بروم و در مسیر رویاپردازی می‌کردم. آن روز هم از شانس من بچه‌های مدرسه ما باید در چمن می‌نشتند. تمام مدتی که آن مراسم برگزار می‌شد من با چمن استادیوم بازی می‌کردم. همیشه این سؤال برایم مطرح بود که چرا بانوان نمی‌توانند فوتبال بازی کنند؟ روزها نمی‌توانستم فوتبال بازی کنم ولی در رویاهای شبانه‌ام همبازی مارادونا بودم. گذشت و گذشت تا اینکه تولد راستین پسر و مادر شدن این قدرت را به من داد که رویاهام را دنبال کنم. خاطرم هست اولین بازی من، بدترین مسابقه من به لحاظ فنی بود ولی بهترین خاطره فوتبالی‌ام شد. چون آنقدر هیجان داشتم که فقط می‌دویدم.

داستان تشکیل تیم فوتبال بانوان ملوان از کجا شروع شد؟ من از بچگی عاشق فوتبال بودم اما در آن دوران فوتبال برای زنان ممنوع بود. چالش‌های زیادی را در این زمینه پشت سر گذاشتم. چهارم ابتدایی بودم که مربی ورزش به من گفت استعداد داری. با دوومیدانی شروع کردم و بزرگتر که شدم به خاطر علاقه‌ام به فوتبال و رشته‌های توبی، سراغ بسکتبال رفتم. فوتبال برای من یک عشق ممنوعه بود و نمی‌توانستم بازی کنم تا اینکه فرزندم پدینا آمد و هنگامی که راستین دو ماهه بود در بعضی از شهرها فوتسال راه‌اندازی شد. به حرف شاید خیلی راحت باشد ولی خیلی‌ها را دیدم و پشت درهای زیادی معطل شدم تا بتوانم فوتبال بازی کنم و بالاخره تیم فوتبال را تشکیل دادم و خودم هم به عنوان بازیکن با به توپ شدم.

مردم انزلی به مرحوم سیروس قایقران ارادت خاصی دارند. گویا پسرشان هم با فرزند مرحوم قایقران همانام است.

بله، مرحوم قایقران بازیکن پدرم بود و منش، رفتار و فوتبال او را دوست داشتم. او کاپیتان تیم ملی بود ولی برایش فرقی نمی‌کرد که طرف مقابلش یک بچه کوچک باشد یا پیرمرد؛ هر درخواستی داشتی برایت برآورده می‌کرد. در خصوص راستین هم باید بگویم آقای قایقران قطر بود و یکی از روزنامه‌ها با ایشان و همسرش گفت‌وگویی انجام داده بود. من هم همیشه کیهان بچه‌ها و روزنامه‌ها را به مدرسه می‌بردم و زیرمیزی خواندم. یکی از این روزها در مطلبی خواندم که اسم پسرشان راستین است، به این معنا که صداقت سرلوحه زندگی‌اش باشد. همانجا با خودم گفتم اگر روزی صاحب پسر شدم اسمش را راستین می‌گذارم.

شما از افرادی هستید که برای بخش تلویزیونی مسابقات فوتبال زنان و حضور بانوان در استادیوم‌های فوتبال تلاش بسیاری کرده و خون دل زیادی خورده‌ید. این موضوع شاید به روزهایی برمی‌گردد که عاشق فوتبال بودم اینکه چرا فوتبال را از تلویزیون تماشا می‌کنم ولی نمی‌توانم به استادیوم بروم. در زندگی چهارچوب‌هایی وجود دارد ولی وقتی به فرهنگ‌سازی کمک می‌کنی باید از آن عبور کرد. از زمانی که پای خانم‌ها به استادیوم‌ها باز شده جو آرام‌تر شده است. یادم می‌آید که در یک جلسه‌ای که بزرگان فوتبال حضور داشتند، یک نفر گفت خانم ایراندوست چرا اینقدر حاشیه داری؟ چرا اینقدر دنبال این هستی که زنان ورزشگاه بروند. خیلی وقت‌ها اشک ریختم و بغض کردم ولی از آنجا که همیشه نیمه پر لیوان را دیدم می‌گویم. حالا خدا را شکر می‌کنم که این موضوع به سرانجام رسید و بانوان در استادیوم‌ها حضور دارند.

برگردیم به سال‌ها قبل، جایی که در تورنمنت پاکستان جایزه بهترین بازیکن را گرفتید. در آن برهه تیم ملی اردو نداشت و ملوان با بواسطه قهرمانی‌اش در لیگ به تورنمنت پاکستان فرستادند. مسئولین پندرانزلی هم هزینه‌های تیم را برعهده گرفتند و فرشته کریمی و فاطمه ارژنگی را به عنوان یار کمکی با خود بردیم. زمانی که با پرواز امارات می‌رفتیم بازیکنان ما برای اولین بار سوار هواپیما می‌شدند و همه بازیکنان از روستاهای دورافتاده گیلان بودند. در کل آن تورنمنت برای ما خیلی رویایی بود. در آنجا ۱۰ گل زدم ولی رئیس فدراسیون پاکستان گفت به خاطر شوتی که ۴۰ متری زدی تو را به

- روزنامه ورزشی صبح ایران
- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرعامل: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران؛ علی متقیان
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۱۳ - نمابر: ۸۴۷۱۱۷۳
- لیونگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۰۰ - ۸۸۷۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

به عنوان یک بانوی الهام بخش، چه صحبتی با زنانی دارید که رویایی در سر دارند اما آن را دست نیافتنی می‌دانند؟ خیلی اتفاق افتاده است که دختری از نقطه صفر مرزی یا سیستان و بلوچستان به من پیام داده و درد دل کرده است که حتی در حیاط خانه اجازه تمرین ندارم. این حرف مال پارسال است نه بیست سال پیش. کسانی هستند که هنوز در روستاها یا نقاط دورافتاده ایران حتی از جانب پدر یا خانواده اجازه فوتبال بازی کردن ندارند. من تا حد ممکن سعی کردم به این دوستانی که به من پناه آوردند کمک کنم. قطعاً اینکه من اینجا بنشینم و شعار رویاپردازی

همگروهی با استرالیا، کره جنوبی و فیلیپین از کره شمالی و ژاپن بهتر است چرا که از سرعت بالایی برخوردارند. استرالیا تیمی سرعتی نیست و دختران ما به لحاظ فیزیکی مقابل آنها راحت‌تر بازی می‌کنند. حتی توانایی برد مقابل کره جنوبی را هم دارند. نمی‌گویم قطعاً صعود می‌کنند ولی تجربه گذشته به کمک‌شان می‌آید. فکر می‌کنید اگر کاراکتری مثل علی دایی در کنار تیم ملی به عنوان مشاور فنی قرار بگیرد، امکان موفقیت بانوان تا چه اندازه بالا می‌رود؟ قطعاً کمک می‌کند. علی دایی با انرژی که دارد کلی انگیزه برای دختران ایجاد می‌کند. البته تیم ملی در حال حاضر مدیریت دارد

آینده فوتبال بانوان را چطور می‌بینید؟ احساس می‌کنم سال ۱۴۰۰ بیراه نگفتم که زنان ما بزودی به جام جهانی صعود می‌کنند. همان‌طور که ۸۰ سالگی در استرالیا و ایران خوشحالی کردیم روزی می‌رسد که تمام ایران برای صعود بانوانمان به جام جهانی در خیابان ریخته و خوشحالی کنند. به واسطه تشکیل آکادمی‌های فوتبال در سراسر ایران این اتفاق نزدیک است. قبلاً بازیکنان در شهرهای خود اجازه تمرین در زمین چمن را نداشته و از فوتسال به فوتبال می‌آمدند. وقتی وارد اردو می‌شدند استوک نداشتند. الان بازیکنان زیادی از ۸ سالگی در آکادمی‌ها رشد کرده و به مرور وارد تیم ملی می‌شوند و اگر بودجه، امکانات، نگاه ویژه و تربیت حرفه‌ای وجود داشته باشد قول می‌دهم که ۵ سال دیگر بلکه زودتر تیم ملی بانوان به جام جهانی راه پیدا کند.

لیگ برتر امسال کیفیت لازم را دارد؟ از لحاظ کیفیت نه اما همیشه می‌گفتم که باشگاه‌های بزرگ باید در بخش بانوان تیمداری کنند. اگر از این منظر نگاه کنیم گل‌کهر، ملوان، سپاهان و پرسپولیس در لیگ حضور دارند و جذابیت بیشتر شده است اما چند روز پیش بازی پرسپولیس و خاتون بسم را از نزدیک دیدم که متأسفانه بازی یکطرفه بود. همچنین این بازی هواداری نداشت. در حین بازی به این فکر می‌کردم کجای کار اشتباه است که در چنین بازی هواداران حضور ندارند. من عاشق فوتبال هستم و چه کار کنم و چه نکنم، بازی‌ها را دنبال می‌کنم که از دل همین هانکاتی رایاد بگیرم. اینجور بگویم که سرم برای فوتبال درد می‌کند.

البته که شما بیکار هم ننشستید و تیم پیشکسوتان ملوان را تشکیل دادید. در باشگاه ایستا مجدداً موضوع تیم ملی تکرار شد و مالک باشگاه به من پیام داد که شما دشمنان زیادی دارید و امکان همکاری وجود ندارد. بعد از

این موضوع فقط فکر می‌کردم کجای کار من اشتباه بوده است که مدام یک سناریو تکرار می‌شود. از دل این موضوعات به این نتیجه رسیدیم که من را نمی‌خواهند. به یک چیزی نیاز داشتم که حال من را خوب کند و من را به این دنیا وصل کند. همین شد که تصمیم گرفتم تیم پیشکسوتان را تشکیل دهم تا خانم‌هایی که براساس جبر زمانه نتوانسته بودند فوتبال بازی کنند، به رویایشان برسند. از حس و حال این تیم و زنانی برایمان بگوید که سال‌ها از فوتبال محروم بوده‌اند و حالا به رویای خود رسیده‌اند. شخصی در این تیم حضور دارد که در گذشته عاشق فوتبال بوده اما خانواده به او اجازه فعالیت نداده است. سال ۸۲ از یکی از روستاهای گیلان پیش من نسبت داده بود و قبول شد اما روزی که قصد داشت برای ورود به تمرینات بیاید، پدر بزرگش اجازه ندهاده و گفته بود دختر را چه به فوتبال و در ۱۵ سالگی او را به ازدواج وادار کردند. حالا بعد از این همه سال او در تمرینات پیشکسوتان حضور دارد و هر روز از من تشکر می‌کند. او هنوز باورش نمی‌شود و هر روز می‌گوید واقعاً من فوتبال بازی می‌کنم؟ او همیشه حسرت خورده اما الان به رویایش رسیده است. علاوه بر این شخص، مادران و زنان دیگری هم هستند که همین شرایط را داشته‌اند. خدا را شکر خیلی تیم خوبی داریم و اینقدر حال دلم کنار این بچه‌ها خوب است که انگار سرمربی تیم ملی ایتالیا هستم.



همگروهی با استرالیا، کره جنوبی و فیلیپین از کره شمالی و ژاپن بهتر است چرا که از سرعت بالایی برخوردارند. استرالیا تیمی سرعتی نیست و دختران ما به لحاظ فیزیکی مقابل آنها راحت‌تر بازی می‌کنند

قبلاً بازیکنان در شهرهای خود اجازه تمرین در زمین چمن را نداشته و از فوتسال به فوتبال می‌آمدند. وقتی وارد اردو می‌شدند استوک نداشتند



مسائل فنی یا هر چیزی نمی‌خواهیم نه اینکه این مدلی آبروی من را خدشه‌دار کنند. بعد از جدایی شما مریم آزمون هدایت تیم را برعهده گرفت که نه پردی داشتیم و نه گلی زدیم و تیم ملی افول فاحشی داشت.

(سکوت معنادار). نه تنها از تیم ملی کنار گذاشته شدید که در رده باشگاهی هم از این قبیل اتفاقات زیاد برای شما افتاده است. پشت پرده این موضوعات چیست؟ قطعاً همین‌طور است. یک شخص یا گروهی به مدیران عامل باشگاه‌های مختلف می‌گویند که با من قرارداد نبندهند. می‌دانم که در پشت پرده این اتفاقات چه کسانی دست دارند. به هرحال من یک مادر مستقلی هستم که شغلمش فوتبال است اما نمی‌گذارند کار کنم. اما بازم مثبت‌اندیش هستم ولی قطعاً یک روزی نام می‌برم و درباره این شخص یا گروه صحبت می‌کنم.

شما قبلاً گفته بودید که آمادگی سرمربیگری تیم ملی مردان را هم دارید؟ بله. این موضوع به گذشته برمی‌گردد که بواسطه پدرم کنار بزرگانی چون عزیز اسپندار و مرحوم علی نیاکانی بحث فوتبالی می‌کردیم و احساس می‌کردم چیزی کم ندارم. این را در خودم و خیلی از زنان می‌بینم. زمانی که درودگر مدیرعامل ملوان بود به من گفت اگر امکانش بود، من همین الان تو را سرمربی تیم مردان ملوان می‌کردم و این موضوعات بود که به من این قدرت را هم داد.

برسیم به تیم ملی فعلی بانوان. فکر می‌کنید دختران ما در جام ملت‌ها صعود می‌کنند؟ فوتبال ما مسیر صعودی دارد و روز به روز در حال پیشرفت است. بازیکنان ما حرفه‌ای هستند و در تورنمنت‌های خوبی شرکت می‌کنند و پیش‌نیاز یک تیم برای موفقیت را دارند.